



بررسی تطبیقی نظام حقوقی ایران و انگلستان در خصوص سکوت، انواع آن و استثنا بر سکوت

احسان عظیمی مقیدی^۱
جلیل مالکی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

چکیده

در دلالت سکوت در ایران در بسیاری از موارد شفافیت دیده نمی شود که این امر باعث طرح این سوال شده که آیا سکوت دلالتی بر اراده ساکت است؟ مفهوم سکوت، دلالت‌ها و مصادیق آن در انگلستان به چه شکل است؟ اشتراکات و افتراقات در آثار سکوت و استثنائات آن در دو کشور چگونه است؟ از آنجایی که تاکنون مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و انگلستان در خصوص سکوت، انواع و استثنائات آن انجام نگرفته بنابراین انجام این پژوهش ضرورت است. در حقوق ایران سکوت نشانه اراده شخص ساکت نیست و در موارد استثنایی که سکوت نشانه رضایت شمرده می‌شود این امر تایید کننده سکوت محض نبوده و معمولاً قرینه‌هایی هستند که می‌توانند بیان کننده اراده فرد باشند؛ البته این قراین نیز همیشه علامت رضایت نیستند بلکه گاهی دلالت بر مخالفت دارند. قانونگذار در حقوق ایران در ماده ۲۴۹ ق. م مانع از تأثیر سکوت در روابط حقوقی متعاملین و قراردادهای اعلام نموده و حقوق کشور ما قاعده بی‌اعتبار بودن سکوت در تبیین اراده را اثبات نموده است. در کشور انگلستان نیز سکوت به منزله پذیرش نیست، البته استثنائاتی وجود دارد که دادگاه‌ها سکوت را به عنوان پذیرش شناخته‌اند. در نتیجه در کشور انگلستان همانند ایران سکوت فاقد دلالت خاص است و ایندو کشور در این مورد با یکدیگر متفق هستند. استثنائات وارده بر قاعده بی‌ارزش بودن سکوت در قوانین حقوقی در این دو کشور نیز تقریباً یکسان بوده و شباهت‌های بسیاری مابین آن‌ها دیده می‌شود.

کلید واژه‌ها

مقایسه تطبیقی، سکوت، استثنا بر سکوت، ایران و انگلستان.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Ehsan.moghayedi@gmail.com

^۲ استاد گروه حقوق خصوصی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول):

Jalil.malekii@gmail.com

مقدمه

سکوت را در مفهوم خاموش ماندن، آرامش، دم فرو بستن و خودداری از سخن گفتن و حرف نزدن تفسیر نموده‌اند (معین، ۱۳۸۸) و معادل فارسی که برای آن در نظر گرفته شده است خاموشی و دم فروبندی از هر گونه سخن گفتن است. در معنای حقوقی نیز سکوت مفهوم عدم اعلان اراده صریح یا ضمنی را داراست و فعلی سلبی محسوب می‌شود چون سکوت چیزی جز عدم نیست. سکوت در عرصه اخلاق و مذهب دارای اثر است در حالیکه در حوزه حقوق و قوانین حقوقی فاقد هر گونه اثری است؛ برای نمونه سکوت در مقابل وقوع امر منکر و اجتناب از نهی کردن از منکر، از بعد دینی یک گناه کبیره بحساب می‌آید در حالیکه از نقطه نظر حقوقی سکوت در مقابل چنین امری یا در موارد مشابه منشا اثری نبوده و مستوجب تنبیه نمی‌گردد.

قابل ذکر است که سکوت عمدی یا کتمان نمودن نوعی ترک فعل (عدم بیان) بشمار می‌رود، که موجب تحقق مسئولیت مدنی می‌گردد. همانطور که اشاره شد در عرف سکوت معنای رضایت دارد و در این حالت سکوت در اوضاع و احوالی صورت می‌پذیرد که آن اوضاع و احوال، عرف را به مفهومی خاص دلالت می‌دهد. در فقه و حقوق نیز این برداشت صدق می‌نماید و هیچ قاعده و ویژه‌ای در مورد ارزش حقوقی سکوت موجود نیست بنابراین، نمی‌شود به فرد ساکت هیچگونه قولی را منسوب دانست، الا اینکه سکوت او با قرینه و اوضاع ویژه‌ای همراه شود که نشانگر اراده‌ی ضمنی او باشد. این نوع از سکوت می‌تواند در حوزه روابط حقوقی، بالاخص در قلمرو الزامات خارج از قرارداد (ضمان قهری)، ایجاد کننده آثار حقوقی باشد.

در حقوق ایران دلالت سکوت در بسیاری از موارد، محل ابهام است و مشخص نیست که آیا سکوت می‌تواند دلالتی بر اراده ساکت داشته باشد و سکوت در کدام موارد دلالت بر رضایت دارد. همچنین این سوال نیز مطرح است که معنا و مفهوم سکوت، انواع سکوت، اشتراکات و افتراقات در آثار آن و استثنائات در سکوت در کشور انگلستان به چه صورت است. با عنایت به اینکه مطالعه تطبیقی‌ای در نظام حقوقی ایران و انگلستان در خصوص سکوت، انواع آن و استثنا بر سکوت تا کنون انجام نشده بنابراین نیاز به انجام این پژوهش وجود دارد. در این راستا، در مقاله کنونی به بررسی مفهوم سکوت و معنای حقوقی آن در ایران و انگلستان، مصادیق سکوت در این دو کشور، اشتراکات و افتراقات در آثار سکوت و در رویکرد سکوت در اعمال حقوقی در نظام حقوقی ایران و انگلستان و استثنائات آن در کشور انگلستان پرداخته می‌شود.

۱- سکوت در ایران

۱-۱- معنای حقوقی سکوت در ایران

در معنای حقوقی، خودداری از سخن گفتن و عدم اعلام اراده فرد ساکت به طور صریح و یا ضمنی

سکوت تلقی می‌شود. این تعریف سکوت در عرف و حقوق بر هم منطبق است هر چند که در واقع سکوت بر رضایت دلالت ندارد و بهمن علت است که گفته می‌شود به فرد ساکت نمی‌توان قول و سخنی را نسبت داد و از سکوت او نیز نمی‌توان رضایت و خشنودی از امری را برداشت نمود (حاجی آقازاده رودسری و عراقی، ۱۳۹۹). در کلیه عقود سکوت معنای رضایت نداشته و دلالت بر اراده نیست. در تمامی این عقود فرد می‌بایست اراده خود را اعلام نماید یا عملی را انجام دهد که بر رضایت او دلالت کند. در برخی موارد فرد سخنی نمی‌گوید اما به شکل غیر مستقیم اراده خود را ابراز می‌دارد. این نوع ابراز اراده شکلی از بیان کردن بحساب می‌آید و در جاییکه رضایت وجود داشته باشد، نتیجه اش مساوی با لفظ صریح لحاظ می‌گردد. از موارد فوق الذکر می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای شخص ساکت دو حالت در نظر گرفته می‌شود. در حالت اول شخص کلامی را بیان نمی‌نماید یعنی در سکوت کردن او اراده‌ای وجود ندارد یا این کار را به عمد انجام نمی‌دهد. در حالت دوم شخص سکوت کننده بطور عمدی سخنی بر لب نمی‌راند و از سخن گفتن امتناع می‌کند. در حیطة اخلاق و مذهب، برای سکوت آثاری وجود دارد که در حوزه حقوقی آن آثار وجود ندارند. برای مثال در مذهب و در مقوله منکر و نهی از آن، ترک نهی از منکر و سکوت در برابر آن گناه کبیره بشمار آمده و عذاب در پی دارد درحالیکه در حیطة حقوق چنین آثاری برای سکوت وجود ندارد. چرا که در حیطة حقوق برای سکوت تعریف مشخص و قاطعی وجود ندارد و شخص می‌تواند با سکوت کردن نیت و اراده اش را برای سایرین مشخص سازد و حقوق صرفا در بعضی موارد این معنی را می‌پذیرد و برای آن اثر حقوقی لحاظ می‌نماید اما در بسیاری موارد دیگر چنین آثاری در نظر گرفته نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۴). در حقوق در برخی موارد سکوت دارای آثار حقوقی است. بطوریکه در این موارد امتناع از سخن گفتن، سکوت محسوب نگردیده و شخص می‌تواند با اراده ضمنی خود طرف قبول واقع گردد بعنوان نمونه فرد می‌تواند اشاره نماید و یا با انجام عملی که نشان دهنده قصد و رضایت باشد انشاء معامله نماید. با این وجو اراده ضمنی یک شخص نیز سکوت بحساب نمی‌آید و از نظر عرفا سکوت فقط اعلام اراده ضمنی است بهمین علت به فرد ساکت سخنی نسبت داده نمی‌شود. سکوت هیچگاه جایگزین اراده ضمنی نمی‌شود چرا که صرفا یک حالت سلبی است و تضمینی بر ایجاب که نیاز به اثبات دارد نمی‌گردد. البته این امکان وجود دارد که تضمینی بر قبول باشد اما سکوت تضمین ایجاب نبوده، بلکه حالتی است که فرد مقابل ایجاب اتخاذ می‌کند. فعل ایجابی از سکوت سرچشمه نمی‌گیرد و منظور از اعتبار سکوت نیز، سکوت مخاطب است هرچند سکوت وی نیز بر قبول دلالت ندارد بغير از شرایطی که سکوت با قرینه و امارات قرین گردد (الماسی، ۱۳۸۳).

۲-۱- سکوت در اعمال حقوقی ایران

سکوت دختر در هنگام عقد نکاح از مهمترین مصادیق سکوت در ایران است که سکوت در مقام قبول در عقد نکاح فاقد اعتبار است. در این زمینه فقها در رابطه با اثبات یا عدم اثبات حق ولایت پدر بر دختر در

هنگام نکاح نیز دارای عقاید مختلفی هستند ولی همگی اجازه ولی در نکاح را لازم دانسته اند و قاعدتا سکوت ولی در این زمان نیز بر عقد نکاح اثر دارد. شیخ ثانی بر این اعتقاد است که دختر بالغه رشیده نیازی با اذن ولی برای نکاح ندارد مگر باکره باشد یعنی باکره ای که دارای پدر است اذن پدر برای انجام نکاح الزامی است. عقیده بر اینست که دختر بالغه رشیده می‌تواند عقد نکاح کند مگر باکره باشد و پدر او باشد که در این حالت اجازه پدر لازم است. و اگر بدون اجازه پدر نکاح اتفاق افتد خلاف سنت می‌باشد. سکوت پدر در این حالت دلالت بر رضایت دارد و نشان از راضی بودن اوست. اما اگر این سکوت از نوع سکوت محض باشد دلالت بر فقدان رضایت دارد و عقد نکاح درست نمی‌باشد مگر اینکه سکوت به همراه قراینی باشد که نشان از رضایت ولی دارد. سکوت دوشیزه در قبول وکالت در عقد نکاح، دال بر اعلان رضایت است. سکوت دختر در هنگام انشاء عقد نکاح از دیگر حالت‌های سکوت عرفی است (شهید ثانی، ۱۳۶۶).

سکوت در خیار فسخ نیز نوع دیگری از سکوت است که سکوت صاحب حق، در عقودی که فوریت در خیار فسخ آنها بعنوان شرط است، نظیر خیار غبن، تدلیس و عیب؛ چنین سکوتی دلالت بر اذن معامله است. سکوت در این حالت، نشان از اراده مبنی بر قبول صحت عقد واقع شده دارد. بنابراین در جایی که خیار فوریت دارد اگر صاحب خیار از این حق کمک نگیرد و به نفع خویش از آن بهره نبرد و سکوت کند نمی‌تواند معامله را فسخ نماید (اسکینی، ۱۳۸۵). در زمان فوریت خیار، اگر صاحب خیار از حق خویش بهره نبرد و سکوت کند قادر به فسخ قرارداد نخواهد بود. بر اساس قوانین مدنی برخی از خيارات فوریت دارد که از جمله آنها می‌توان به خیار رویت و تخلف وصف، خیار غبن، خیار عیب، خیار تدلیس و خیار حق شفه اشاره کرد. قانونگذار در کلیه موارد موعدهایی جهت درخواست، مراجعه و اعتراض به حکم مقرر کرده که بعد از انقضای زمان موعده، حقی برای ادامه دعوی نیست. بدین معنی که اگر دارنده حق حکمی را برای مدت طولانی بدون هیچ عملی کنار گذاشت، پس از گذر زمان حق او جهت اقامه دعوی منتفی می‌گردد. با توجه به موارد فوق الذکر مشخص می‌گردد که سکوت سلبی به مفهوم از بین رفتن حق خیار و غیره نمی‌گردد بلکه این حق مشروط خواهد بود. یعنی اگر در هنگام انجام معامله، ایجاب همراه آن باشد سکوت به مفهوم رضایت است. اما اگر شرایط منتفی اعلام گردد بدین معنی است که حق به شرایطی محدود شود که استفاده نکردن در موعد مناسب موجب از بین رفتن حق گردد. نتیجتاً اینجا سکوت به معنی پذیرفتن تمام شرایط و همچنین پذیرش عقد است (الموسوی الخوئی، ۱۳۶۵).

از دیگر مصادیق سکوت، سکوت در معاملات فضولی است که در آن فقها سکوت در عقد فضولی را، دلالت بر رضایت او یا اذن او بر منعقد شدن عقد در نظر نمی‌گیرند. چرا که سکوت بدون قرینه و اماره مفهوم عدم رضایت دارد. بر اساس ماده ۲۴۹ قانون مدنی سکوت مالک حتی با حضور در محل انعقاد عقد، اذن و اجازه بحساب نمی‌آید و حضور داشتن به تنهایی قرینه محسوب نشده و معنای رضایت یا قبول مالک نمی‌تواند باشد (امینی، ۱۳۹۲).

سکوت در مقابل ایجاب از دیگر مصایق سکوت است. امکان دارد طرفین، در حین عقد قرارداد، توافق نمایند که؛ سکوت هر یک در مقابل ایجاب دیگری به معنای قبول باشد یا ایجاب هر یک فقط تا زمان معینی رد شود و بعد از منقضی شدن آن مدت، قابل رد نباشد یا راضی شوند که قرارداد موجود فی‌ما بین، پس از اتمام مدت و فسخ نشدن، ادامه یابد یا طرفین در یک تعهد الزام آور قبول کنند که سکوت طرف مقابل به معنای قبول است، در این حالت سکوت میتواند وسیله ابراز اراده طرف قبول تلقی شود. چرا که بر مبنای اصل آزادی اراده و رضایی بودن عقود، طرفین قادر اند سکوت را ابزاری جهت نشان دادن اراده خویش محسوب کنند و این می‌تواند بر اساس مورد لفظ، نوشته، اشاره، عمل یا سکوت باشد مگر اینکه منع خاصی موجود باشد. این حالت نیز سکوت محض لحاظ نمی‌گردد بلکه توافق قبلی دو طرف (به طور صریح یا ضمنی) یا اعلام قبلی فرد ساکت است که سکوت را برای ابراز اراده خود استفاده می‌نماید (محقق داماد، ۱۳۶۵).

سکوت در ادعا به معنای سکوت مدعی علیه در مقام دادرسی است. هر زمان که مدعی علیه، سکوت کند و سکوتش از روی لجاجت و سرسختی باشد، در وحله اول مقام دادرسی با آرامش و مدارا و سپس با شدت و تحکم او را به دادن جواب و ترک سکوت وادار می‌سازد. اگر اصرار مدعی علیه ادامه یابد، بر حسب احتیاط، حاکم به او دستور پاسخ دادن می‌دهد و جواب می‌خواهد و سه بار این دستور را تکرار می‌کند. پس در صورت اصرار (مدعی علیه)، مقام دادرسی سوگند را به مدعی واگذار میکند و در این حالت اگر او سوگند بخورد، حقی اثبات می‌گردد (ذاکر حسین، ۱۳۸۳).

از دیگر مصایق سکوت سکوت در مقام بیان است که تأخر بیان از وقت حاجت را تقبیح می‌کند چرا که باعث از بین رفتن مصلحتی از مصالح میشود؛ نتیجتاً هر گاه فرد عاقلی در مقام بیان سکوت کند، آگاهان این سکوت را شکلی از بیان بحساب می‌آورند. در اینجا قانونگذار نیز می‌بایست برای سکوت فرد ساکت، معنایی متناسب با مقام لحاظ نماید (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۱). در این صورت مقام دادرسی می‌بایست بر اساس منابع معتبر اسلامی، روح قوانین و عرف راه کاری جهت آن بیابد اما باید دانست که نتایج منطقی و ضروری احکام جزء آن است و نباید ادعا کرد در همه حالت‌هایی که قانون مسئله و معضلی را پیش بینی نکرده است در آن مقوله حکمی موجود نیست. اما وقتی که هیچ ارتباط مستقیمی مابین دعوی و قانون موجود نیست و ابعاد شباهت در قیاس محل تردید و اختلاف است باید از موارد سکوت قانون محسوب شود (کاتوزیان، ۱۳۷۷). معمولاً هر جا که قانون بیان مشخصی ندارد رویه قضایی خود قواعد حقوقی را ایجاد می‌کند. برای مثال فقها در مورد مسئله زیر بدین ترتیب توصیه می‌کنند: هر گاه فردی در منزل فرد دیگری ساکن باشد و صاحبخانه از او بخواهد که در قبال سکوتش در آن خانه، هر ماه دیناری به صاحبخانه بدهد و مستاجر سکوت کند، در این صورت برای هر یک ماه، پرداخت آن یک دینار به صاحبخانه الزامی است (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹).

سکوت زوج پس از تولد کودک، سکوت پس از ولادت نامیده می‌شود که از دیگر مصادیق سکوت است. بدین ترتیب که پس از تولد طفل، زوج قادر است در پذیرش یا انکار طفل به فرزندگی خود سکوت اتخاذ کند، معنای این سکوت دلالت بر قبول فرزند دارد و معتبر است. ذکر این نکته الزامی است که مرد قادر است پس از سکوت، فرزند را انکار کند که در این حالت اگر از زمان ولادت تا زمان انکار مرد، مدت زمان زیادی نگذشته باشد، انکار او قابل پذیرفتن است و حکم مربوط به آن جاری خواهد شد (از نظر عرفا) (ذاکر حسین، ۱۳۸۳).

سکوت از منابع استنباط احکام از دیگر مصادیق سکوت است که در رابطه با سکوت از منابع استنباط احکام، تقریر معصوم (ع) یک نمونه بارز سکوت در مقام بیان است. سکوت و پذیرفتن توسط معصوم (ع) تایید ضمنی اتفاقی است که در حضور ایشان واقع شده است و قابل استناد است مگر آنکه از امارات و شواهد موجود مشخص شود که آن سکوت در مقام تقیه بوده است. چنین سکوتی را در اصول با نام سنت تقریری می‌شناسند (شعاریان، ۱۳۹۳).

سکوت بر اساس نص یا عرف، سکوتی است که به معنای اراده است که بر پایه نص شرعی یا قانونی یا عرف باشد که اراده، در مقام رضایت و قبول است و یا معنای عدم رضایت و عدم پذیرش می‌دهد. این نوع از سکوت، با نام سکوت موصوف نیز شناخته می‌شود بطوریکه در مورد آن قانون گذار قوانین وضع می‌کند که علاوه بر توصیف آن به بیان احکام مربوط به آن نیز پرداخته است. در اینجا منظور از آن، نص مفسر و محکم نیست. در حقیقت هر لفظ قرآن کریم و سنت که مطرح کننده دلالت سکوت باشد، یکی از ملاک‌های تشخیص سکوت تفسیر کننده اراده است. هر فردی که اراده اش را با واسطه ای که دین آن را الزام آور نامیده است، بیان و ایراد کند، آن وسیله، درست بوده و قابل استناد است. بنابراین، وقتیکه سکوت فرد ساکت به شکل مطمئن و با وجود قرینه و اماره ای ظنی، دلالت بر رضایت کند، سکوت، قابل استناد است؛ ولو قرینه ای دلالت بر رضایت وجود نداشته باشد؛ اما اگر قرینه ای مطمئن و دلالت کننده بر رضایت وجود داشته باشد که سکوت قطعیت دارد و حجت است (سرخسی، ۱۳۳۱).

۲- سکوت در انگلستان

۲-۱- معنای حقوقی سکوت در انگلستان

در زبان انگلیسی سکوت معادل Silence دانسته شده است. این لغت معادل خاموشی و سخن نگفتن است و عبارت Silence As Acceptance in Contracts که دارای لفظ سکوت است نیز با رضایت هم معنی دانسته نمی‌شود (سیاح، ۱۳۷۳). در قوانین حقوقی انگلستان سکوت معادل رضایت نیست و صرفاً در برخی موارد، دادگاه به سکوت طرف مقابل استناد کرده و رأی صادر می‌نماید.

۲-۲- سکوت در اعمال حقوقی انگلستان

در قوانین حقوقی کشور انگلستان سکوت دلالت بر رضایت نمی‌کند و بعنوان یک قاعده حقوقی به آن نگریده نمی‌شود بلکه بی‌اعتباری سکوت در بیان اراده پذیرفته شده و بر اساس قوانین این کشور، سکوت (به تنهایی) نمی‌تواند ایجاب را الزام آور نماید اما در برخی موارد، محکمه و حاکم دادرسی به سکوت طرف مقابل استناد کرده و رأی صادر می‌نمایند بر اساس قوانین انگلیس، اعلام اراده که یکی از عناصر تشکیل دهنده معامله حقوقی است ممکن است صریح یا ضمنی باشد. در حالی که اعلام اراده صریح عبارت است از اعلام اراده به گونه ای که جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد، اعلام اراده ضمنی را می‌توان از نحوه عمل شخص، رفتار عمومی او، انجام یا عدم انجامش فهمید. چیزی در برخی موارد، سکوت ممکن است به منزله اعلام ضمنی اراده باشد و معنای پذیرش یا رد را داشته باشد. در نظام حقوق عرفی، نیز محقق گشتن مسولیت مدنی براساس تدلیس و تحت عنوان «اظهار خلاف واقع» مورد پذیرش قرار گرفته است. در حقوق قراردادها، یکی از مواردی که باعث داشتن حق فسخ یا طلب کردن خسارت می‌گردد «توصیف یا اظهار خلاف واقع» یکی از طرفین قرارداد است که موجب ترغیب طرف دیگر برای انعقاد قرارداد می‌گردد و در نتیجه به او ضرر می‌رسد (تری تل، ۱۹۹۱).

در حقوق انگلیس اصل بر اینست که سکوت نمودن یا همچنین عدم افشا حقیقتی، در مسایلی که شخص الزام به بیان آنها دارد، حتی اگر این کتمان یا عدم بیان باعث ضرر و زیان هم گردد، قرارداد را به سبب اظهار خلاف واقع باطل نمی‌نماید و یا ابطال شدنی نمی‌کند. اما در موارد و موقعیت های خاصی که یک طرف قرارداد وظیفه بیان برخی حقایق را دارد، سکوت عمدی یا عدم افشاء موجب ایجاد حقوقی نظیر حق مطالبه خسارت و یا حق فسخ می‌گردد (امیلی^۱، ۲۰۱۲). همانطور که ذکر گردید، زمانی عدم بیان می‌تواند به تدلیس منتهی شود که از روی قصد و آگاهی و با نیت فریب طرف دیگر معامله باشد. بر این اساس سکوت در نظام کامن لا فاقد اثر حقوقی است. در قرارداد بیع ابتدا این تفکر که خریدار خودش باید آگاه باشد وجود دارد یعنی در شرایطی که امکان عرفی بررسی و علم به مورد بیع برای خریدار موجود است، اما به علت غفلت و کوتاهی خود خریدار، که با سکوت و عدم افشای فروشنده نیز قرین بوده، از قرارداد متضرر می‌گردد، نمی‌تواند به قاعده اظهار خلاف واقع استناد کند. بدین علت که در حقوق انگلستان، اظهار خلاف واقع به سه نوع اظهار خلاف واقع متقلبان^۲ و اظهار خلاف واقع مبتنی بر تقصیر^۳ و اظهار خلاف واقع معصومانه^۴ تقسیم شده است، لذا در بحث تحقق تدلیس از طریق سکوت نیز همین تقسیم بندی ملاک قرار گرفته است و با تفاوت گذاشتن بین حالت های مختلف سکوت؛ و تقسیم آن به

¹ Emily

² Fraudulent Misrepresentation

³ Negligent Misrepresentation

⁴ Innocent Misrepresentation

سکوت محض و سکوت مبتنی بر تقصیر و سکوت متقابلانه تحقق تدریس با استفاده از سکوت را صرفاً به سکوت متقابلانه و سکوت مبتنی بر تقصیر مختص نموده‌اند (هانی^۱، ۲۰۲۲).

در پاسخ به این سوال که آیا سکوت به منزله پذیرش ضمنی در قوانین انگلیس است باید خاطر نشان کرد که در حقوق انگلیس، شرایطی که سکوت ممکن است به منزله پذیرش باشد، استثنایی و محدود است. با توجه به دکترین انگلیسی، می‌توان شرایطی را که در آن سکوت طرف قرارداد ممکن است به عنوان پذیرش یا رد ضمنی مؤثر باشد، در سه عنوان فرعی تحلیل کرد (گیل مور، ۲۰۰۳):

۱- جایی که توافق شده که سکوت به معنای پذیرش یا رد است

۲- وظیفه صحبت کردن

۳- سکوت رفتاری

جایی که توافق شده که سکوت به معنای پذیرش یا رد است: طرفین متعاقد ممکن است قبول یا رد ضمنی داشته باشند. در این زمینه می‌توان به مثال‌های زیر اشاره کرد: اگر پیشنهاد توسط پیشنهاد شونده درخواست شده باشد، به ویژه اگر پیشنهاد بر اساس فرم ارائه شده توسط پیشنهاد شونده انجام شده باشد و در آن فرم تصریح شود که سکوت ممکن است به منزله پذیرش باشد. در صورتی که پیشنهاد پذیر تصمیم خود را به پذیرش پیشنهادی شامل شرطی مبنی بر اینکه سکوت او لازم الاجرا است (امیلی، ۲۰۱۲).

وظیفه صحبت کردن: در مواردی که دعوت به انعقاد قرارداد غیرقابل درک باشد و در مواردی که طرف دعوت کننده با طرف دیگر ارتباط برقرار می‌کند، می‌توان به اعلام قصد ضمنی اشاره کرد «به گونه‌ای که نشان دهد دعوت را به نحو معینی درک می‌کند». به گفته هالسبری: «این ارتباط احتمالاً یک پیشنهاد متقابل خواهد بود. در این صورت، ممکن است صرف سکوت پیشنهاد دهنده اصلی به منزله پذیرش او باشد. برای مثال، دادگاه استیناف در Ted Baker v AXA (۲۰۱۷) به این نتیجه رسید که وظیفه صحبت ناشی از وظیفه حسن نیت است که در قراردادهای تجاری عمومی وجود دارد. پس از بررسی مقامات، دادگاه به این نتیجه رسید که یک فرد معقول "از طرف مقابل انتظار دارد صادقانه و مسئولانه عمل کند تا اقداماتی را برای روشن کردن موضع خود انجام دهد". دادگاه متذکر شد که در صورتی که این کار را انجام ندهد، حالتی به وجود می‌آید تا از سود بردن طرف مقابل از عدم صحبت کردنش جلوگیری شود.

سکوت رفتاری: رفتارهایی مانند ادامه بهره‌مندی یکی از طرفین قرارداد از موضوع قرارداد بدون ایجاد صدایی در مورد تغییر مفاد قرارداد؛ یکی از طرفین دعوا که از حق تشریحی اعطا شده به او استفاده نمی‌کند، رفتارهایی است که به عنوان سکوت پذیرفته شده است و در این موارد سکوت به معنای

¹ Haeni

پذیرش است. برای مثال، ممکن است گفته شود مستاجری که به او پیشنهاد می‌شود قرارداد اجاره خود را با مقدار اجاره بیشتر تمدید کند، صرفاً با ادامه اقامت، این پیشنهاد را پذیرفته است. یا به عنوان مثال می‌توان به وضعیتی اشاره کرد که در آن سکوت خواننده در یک پرونده داور، در مقابل عدم اقدام مدعی برای مدت قابل توجهی، منجر به توافق بر عدم پیگیری پرونده می‌شود. بر این اساس مشاهده می‌شود که سکوت جز در شرایط استثنایی به منزله پذیرش نیست. اگرچه احکام و دکترین‌های مختلف نمونه‌ای از موقعیت‌هایی هستند که در آن سکوت ممکن است به منزله پذیرش ضمنی در قوانین انگلیس باشد، اما تعداد قابل توجهی از تصمیمات دادگاه استیناف بر خلاف آن وجود دارد.

بعنوان مثال: ماده ۵ بند ۶۲ قانون بیمه دریایی، که موضوع پرونده Sveriges Angfartygs Assurans Forening (باشگاه سوئدی) علیه Connect Shipping Inc (۲۰۱۹) بود، بیان می‌کند که «پذیرش ترک ممکن است صریح یا ضمنی از رفتار بیمه گر باشد. صرف سکوت بیمه گر پس از اخطار قابل قبول نیست.» پس با توجه به این حکم، درست است که بگوییم سکوت نمی‌تواند به منزله پذیرش ضمنی باشد.

در اصطلاح حقوقی تدلیس به معنای نیرنگ زدن، مکر کردن، حقه سوار کردن، پنهان کاری، تاریک ساختن و میهم کردن بکار می‌رود. در حقوق کشور انگلیس چون هر گونه عقدی برخلاف ایران، جنبه رضایی ندارد و همچنین به علت سابقه تاریخی که حتی در زمینه قراردادهای و عقود، مسیر مخصوص به خود را پیموده و موجب شده است که مباحث قراردادی به شکلی کاملاً متمایز از نظام‌های حقوقی مدون تقسیم شود، تدلیس عیب و مشکلی در رضا محسوب نمی‌شود، اگر عیبی در ساختار عقد است تدلیس در حقوق انگلیس عامل معیوب کننده عقد است نه به این دلیل که عیبی در رضایت طرف مقابل ایجاد می‌کند بلکه بدین علت که حکم قانون را خارج از حیطه توافق عقد نقض می‌کند به عبارت دیگر، عیب قرارداد نشأت گرفته از نقض در توافق طرفین نیست بلکه مستند به حکم مستقل قانون است. تدلیس در حقوق انگلیس بخشی از یک نظریه بزرگتر است. می‌توان این اصطلاح را صرفاً با هدف دریافت معنای معمول کلمه و سهولت مطالعه و بررسی به سوء عرضه تفسیر و ترجمه نمود. سوء عرضه وقتی اتفاق می‌افتد که یکی از طرفین قرارداد قبل از انعقاد عقد یا ضمن عرضه موضوع عقد خصوصیتی بر آن نشان دهد که با واقعیت مطابقت نداشته باشد ولی در عین حال طرف دیگر را به انعقاد عقد می‌کشاند. زمانیکه که تدلیس از رفتارهای منفی نظیر هرگونه تقلب، حيله یا حقه ای منشا گیرد و صورت پذیرد و فرد با اتکا به سکوت از بیان واقعیتی شانه خالی کند، در حقوق انگلیس این سوء عرضه است که فرد ساکت با رفتار و اعمال خود به شکلی اقدام کرده که واقعیت موجود را از دید شخص مقابل دگرگون شده جلوه داده است. در حقوق این کشور انجام چنین اعمالی توسط فرد ساکت جهت جلوگیری از کشف واقعیت نظیر پوشاندن عیبی در مبيع ممکن است دگرگون ساختن واقعیت بشمار آمده و آثار حقوقی در پی داشته باشد.

مابین سکوت محض و حفظ سکوت یا بعبارت دیگر، بین سکوت عمدی و اختیاری در تمامی نظام‌های حقوقی تمایز وجود دارد. در مورد تدلیس، سکوت محض را نمی‌توان موجب تحقق تدلیس شمرد چون هرگونه سکوتی نمی‌تواند همراه با بحث تدلیس باشد. اما هر سکوتی را نیز نمی‌توان سکوت محض دانست و آنچه سکوت بنظر می‌آید ممکن است در اوضاع و احوال قرارداد حالت مثبتی تلقی گردد. در این حین آنچه مد نظر است سکوت نیست بلکه حالتی است که فرد ساکت به خود می‌گیرد تا حقیقتی را کتمان کند و این حالت خود نوعی رفتار است و مانند هر رفتار دیگر اگر همراه با عنصر روانی تدلیس باشد سبب تحقق تدلیس می‌گردد، اما اگر سکوت همانند رفتار یا گفتاری خاص، تدلیسی را سبب‌ساز باشد گاهی اثر حقوقی دارد و گاهی ندارد. در حقوق انگلیس در مورد سوء عرضه خواه از روی معصومیت و خواه عرض ورزانه، عقیده این است که صرف سکوت از نظر قانونی، تدلیس محسوب نمی‌شود. در حقوق ایران نیز اگر در حین عقد قراردادی سکوتی در اوضاع و شرایط قرارداد باشد که فرد ساکت به پنهان ساختن آن همت گمارد و موجب فریب طرف مقابل عقد شود در آن حالت سکوت حالت عمل می‌یابد و شامل ماده ۴۳۸ ق.م.ا.ا می‌گردد اما اگر یک سکوت فقط جنبه عدمی داشته باشد از حیث تدلیس بی‌تفاوت است.

در قوانین حقوقی کشور انگلستان می‌بایست در زمان عقد قرار داد هر حقیقتی که موجود است و نیاز به افشا دارد افشا شود. اگر در زمان افشاء تمام واقعیت بدرستی مطرح گردد ولی بین زمان افشاء و عقد فاصله زمانی پیش آید و در این فاصله تغییری در اوضاع و احوال حاصل شود، در نتیجه آن امر افشاء شده واقعیت قبلی خود را از دست دهد و افشاء کننده وظیفه دارد تغییر وضع و شرایط را به اطلاع طرف مقابل برساند، در غیر این صورت در زمان عقد با سکوت خود مرتکب تدلیس گردیده است.

۲-۳- استثنائات سکوت در کشور انگلیس

در حالی که قاعده کلی این است که سکوت به منزله پذیرش در حقوق کشور انگلیس نیست، استثنائات قابل توجهی وجود دارد که دادگاه‌ها سکوت را به عنوان یک شکل معتبر از پذیرش به رسمیت شناخته‌اند. این استثنائات معمولاً تحت شرایط خاصی به وجود می‌آیند که به طور کلی می‌توان آنها را به شرح زیر دسته بندی کرد:

معاملات قبلی بین طرفین: اگر طرفین سابقه معاملاتی داشته باشند که سکوت قبلاً قبول تلقی می‌شد، دادگاه ممکن است استنباط کند که سکوت نشان دهنده پذیرش در معاملات بعدی است. به عنوان مثال، در *Rust v Abbey Life Assurance Co Ltd* ۱۹۷۹ [۲] *Lloyd's Rep* ۳۳۴، مدعی سابقه پذیرش بیمه نامه‌های سکوت را داشت که دادگاه آن را به رسمیت شناخت.

رفتار پیشنهاد شونده: رفتار پیشنهاد شونده می‌تواند به معنای پذیرش باشد. اگر پیشنهاد گیرنده از خدمات با فرصت معقول برای رد آنها و انتظار منطقی پرداخت استفاده کند، سکوت ممکن است پذیرش

تلقی شود. این در *WLR 1995 Re Selectmove Ltd* [1] 474 نشان داده شده است، جایی که رفتار پیشنهاد شونده پیشنهاد پذیرش را می‌دهد.

چشم پوشی پیشنهاد دهنده از ارتباط: پیشنهاد دهنده ممکن است از شرط ابلاغ پذیرش صرف نظر کند. این می‌تواند به طور صریح یا ضمنی رخ دهد. به عنوان مثال، اگر پیشنهاد دهنده بیان کند که پیشنهاد پذیرفته شده تلقی می‌شود مگر اینکه صریحاً رد شود، سکوت می‌تواند به منزله پذیرش باشد تا زمانی که بتوان قصد پذیرفتن را استنباط کرد.

قانون کالاها و خدمات ناخواسته ۱۹۷۱: بر اساس این قانون، گیرندگان کالاها یا ناخواسته موظف به پرداخت یا بازگرداندن آنها نیستند. با این حال، این ماده قانونی عمدتاً به حمایت از مصرف کننده می‌پردازد تا معاملات تجاری.

چندین مورد برجسته کاربرد این اصول و استثنائات را در قانون قراردادهای انگلستان نشان می‌دهد: *Felthouse v Bindley* (۱۸۶۲) ۱۴۲ ER ۱۰۳۷ (:): این مورد نمونه ای اساسی از این اصل است که سکوت به منزله پذیرش نیست. دادگاه اعلام کرد که پیشنهاد عمومی برای خرید اسب را نمی‌توان با سکوت برادرزاده‌اش پذیرفت، حتی اگر عمو معتقد بود که پیشنهاد او پذیرفته می‌شود، مگر اینکه چیز دیگری بشنود.

Brogden v Metropolitan Railway Co (۲ App Cas 666): در این مورد، رفتار طرفین پذیرش را پیشنهاد کرد. بروگدن بدون پذیرش رسمی شرایط، کالاها را به شرکت راه آهن عرضه کرد، اما اقدامات بعدی شرکت راه آهن (سفارش و استفاده از کالا) به منزله پذیرش از طریق رفتار بود. *Rust v Abbey Life Assurance Co Ltd* (۱۹۷۹) 2 Lloyd's 334 (:): سکوت مدعی به دلیل معاملات قبلی پذیرفته شده تلقی شد. شاکی قبلاً پیشنهادات مشابه را با عدم پاسخگویی، ایجاد الگویی که دادگاه تشخیص داده بود، پذیرفته بود.

WLR 1995 Re Selectmove Ltd (474): دادگاه استیناف اعلام کرد که پذیرش با سکوت را می‌توان از رفتار استنباط کرد. عدم پاسخگویی شرکت به پیشنهاد مالیات و اقدامات بعدی حاکی از پذیرش بود.

Carlill v Carbolic Smoke Ball Co (1 QB 256): اگرچه یک مورد مستقیم از پذیرش با سکوت نیست، این مورد این اصل را نشان می‌دهد که پیشنهاد دهنده می‌تواند از نیاز به اطلاعیه پذیرش چشم پوشی کند. دادگاه اعلام کرد که استفاده خانم کارلیل از توپ دود، همانطور که در آگهی مشخص شده است، به منزله پذیرش بدون نیاز به ارتباط است.

۲-۳-۱- مقررات قانونی

قانون کالاها و خدمات ناخواسته در سال ۱۹۷۱ حمایت‌های خاصی را برای مصرف کنندگان در برابر

تحمیل قراردادها از طریق سکوت فراهم می‌کند. بر اساس این قانون: دریافت کنندگان کالاها یا ناخواسته موظف به پرداخت وجه یا بازگرداندن کالا نیستند. اگر فرستنده پس از شش ماه کالا را مطالبه نکند، به مالکیت گیرنده تبدیل می‌شود. مطالبه وجه کالای ناخواسته جرم است. هدف این قانون در درجه اول محافظت از مصرف کنندگان در برابر اعمال ناعادلانه به جای پرداختن به معاملات تجاری است.

۲-۳-۲- پذیرش از طریق سکوت در زمینه های تجاری

در زمینه‌های تجاری در انگلستان، به دلیل ماهیت شیوه‌های تجاری و رفتار طرفین، می‌توان پذیرش از طریق سکوت را آسان‌تر استنباط کرد. دادگاه‌ها اغلب به کلیت شرایط نگاه می‌کنند، از جمله: دوره معاملات: معاملات منظم بین طرفین می‌تواند الگویی را ایجاد کند که در آن سکوت به عنوان پذیرش درک شود.

آداب و رسوم تجاری: برخی از صنایع ممکن است دارای آداب و رسومی باشند که سکوت در آن پذیرفته شده است.

رفتار: اگر یک تجارت کالا یا خدمات را دریافت کند و بدون اعتراض از آنها استفاده کند، ممکن است به معنای پذیرش باشد.

پذیرش از طریق سکوت یک حوزه بحث برانگیز با چندین انتقاد و محدودیت است: عدم قطعیت: اجازه دادن به سکوت می‌تواند عدم اطمینان و ابهام ایجاد کند، تعیین زمان تشکیل یک قرارداد دشوار است.

احتمال سوء استفاده: این خطر وجود دارد که طرف‌های بی‌وجدان ممکن است از پذیرش با سکوت سوء استفاده کنند و منجر به تعهدات قراردادی ناعادلانه یا ناخواسته شوند.

حمایت از مصرف‌کننده: در معاملات مصرف‌کننده، سکوت به‌عنوان پذیرش عموماً برای محافظت از مصرف‌کنندگان در برابر تعهد به شرایطی که فعالانه با آن موافقت نکرده‌اند، نامطلوب است.

۲-۳-۳- رویکردهای قضایی و تفسیر

تفسیر قضایی در انگلستان نقش مهمی در تعیین اینکه آیا سکوت به منزله پذیرش است یا خیر. دادگاه‌ها عوامل مختلفی را در نظر می‌گیرند، از جمله:

قصد طرفین: دادگاه‌ها بررسی می‌کنند که آیا قصد روشنی برای ایجاد روابط حقوقی وجود داشته است یا خیر.

معقول بودن: منطقی بودن انتظار سکوت به منزله پذیرش، به ویژه در زمینه معاملات قبلی و شیوه‌های تجاری در نظر گرفته می‌شود.

وضوح پیشنهاد: پیشنهاد باید واضح و بدون ابهام باشد و به پیشنهاد شونده اجازه دهد بفهمد که سکوت او پذیرفته خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

سکوت معادل خودداری از سخن گفتن است در نتیجه نمی‌تواند بیانگر اراده فرد ساکت باشد. وجود احتمالاتی مرتبط با وضع فرد ساکت باعث می‌شود که نتوان اراده ضمنی او را استنباط نمود بدین جهت در کشور ایران قانونگذار در ماده ۲۴۹ ق.م.اصل "سکوت نشانه رضایت نیست" را لحاظ نموده است. ولی در مواردی که فرد ظاهراً سکوت کرده و سخنی بر زبان نمی‌راند اما قرائن و اماراتی موجود است و یا در اوضاع و احوال ویژه ای قرار می‌گیرد که به صورت ضمنی بر اراده فرد ساکت دلالت دارد در این موارد استثنایی و خاص آنچه به سکوت اعتبار می‌بخشد خود سکوت نبوده بلکه با تکیه بر قرائن و شواهد است که دلیلی بر اراده است که گاهی دلالت بر پذیرش و قبول دارد و گاهی علامت عدم پذیرش و مخالفت است، در تمام مواردی که سکوت به همراه شواهد بر اراده ضمنی فرد ساکت دلالت دارد شرایطی است که در مقابل ایجاب قرار گرفته است و علتش این است که سکوت محض یک حالت سلبی و یا عدمی است؛ نتیجه اینکه سکوت در قراردادهای حالت شخصی است که برای او ایجاب بوجود آمده و او در مقابل این حالت یا فقط سکوت می‌کند که در این صورت سکوت صرف است و یا حالاتی را از خود نشان میدهد که به صورت ضمنی نشان از اراده او دارد و مبنایی برای قبول یا رضایت تلقی می‌گردد.

انواع سکوت در قوانین ایران شامل سکوت دختر در هنگام عقد نکاح، سکوت در خیار فسخ، سکوت صاحب خیار، سکوت در معاملات فضول، سکوت در برابر ایجاب، سکوت در ادعا، سکوت در مقام بیان، سکوت پس از ولادت، سکوت از منابع استنباط احکام و سکوت بر اساس نص یا عرف می‌باشد. در ایران عرف نقش بسیار اصلی و قابل توجهی در تعیین سکوت، جهت رضایت و عدم رضایت دارد؛ چرا که امروزه موارد گسترده‌ای در جامعه وجود دارد که فرد در تعاملات خود در عقود و تصرفات، سکوت کردن را بر می‌گزیند و این مسئله برای طرفین معامله به شکلی بسیار واضح، رضایت و خشنودی تفسیر می‌گردد.

در کشور انگلستان، سکوت جز در شرایط استثنایی به منزله پذیرش نیست. اگرچه احکام و دکترین‌های مختلف نمونه‌ای از موقعیت‌هایی هستند که در آن سکوت ممکن است به منزله پذیرش ضمنی در قوانین انگلیس باشد، تعداد قابل توجهی از تصمیمات دادگاه استیناف بر خلاف آن وجود دارد. در زمینه حقوق انگلیس که از تصمیمات مجلس و دادگاه تشکیل شده است، بررسی تصمیمات از گذشته تا کنون ضروری است تا مشخص شود سکوت به منزله پذیرش یا رد ضمنی است. بر این اساس، اگرچه

ممکن است موارد استثنایی وجود داشته باشد که سکوت ممکن است به منزله پذیرش ضمنی باشد، اما واضح است که قاعده سکوت نمی تواند به منزله پذیرش ضمنی در قوانین انگلیس باشد. در قوانین حقوقی کشور انگلستان می بایست در زمان عقد قرار داد هر حقیقتی که موجود است و نیاز به افشا دارد افشا شود. اگر در زمان افشاء تمام واقعیت بدرستی مطرح گردد ولی بین زمان افشاء و عقد فاصله زمانی پیش آید و در این فاصله تغییری در اوضاع و احوال حاصل شود، در نتیجه آن امر افشاء شده واقعیت قبلی خود را از دست دهد و افشاء کننده وظیفه دارد تغییر وضع و شرایط را به اطلاع طرف مقابل برساند، در غیر این صورت در زمان عقد با سکوت خود مرتکب تدلیس گردیده است.

در حالی که قاعده کلی در کشور انگلستان این است که سکوت به منزله پذیرش نیست، استثنائاتی وجود دارد که دادگاه ها سکوت را به عنوان یک شکل معتبر از پذیرش به رسمیت شناخته اند. این استثنائات معمولاً تحت شرایط خاصی به وجود می آیند که به طور کلی می توان آنها را به شرح زیر دسته بندی کرد:

معاملات قبلی بین طرفین: اگر طرفین سابقه معاملاتی داشته باشند که سکوت قبلاً قبول تلقی می شد، دادگاه ممکن است استنباط کند که سکوت نشان دهنده پذیرش در معاملات بعدی است. رفتار پیشنهاد شونده: رفتار پیشنهاد شونده می تواند به معنای پذیرش باشد. اگر پیشنهاد گیرنده از خدمات با فرصت معقول برای رد آنها و انتظار منطقی پرداخت استفاده کند، سکوت ممکن است پذیرش تلقی شود.

چشم پوشی پیشنهاد دهنده از ارتباط: پیشنهاد دهنده ممکن است از شرط ابلاغ پذیرش صرف نظر کند. این می تواند به طور صریح یا ضمنی رخ دهد.

بنابراین بر اساس موارد فوق مشخص می گردد که در قوانین ایران و انگلستان سکوت فاقد دلالت خاص است و ایندو کشور در این مورد با یکدیگر متفق هستند. استثنائات وارده بر قاعده بی ارزش بودن سکوت در قوانین حقوقی در این دو کشور تقریباً یکسان بوده و شباهت های بسیاری مابین آن ها دیده می شود. بدین معنی که اگرچه ممکن است موارد استثنایی وجود داشته باشد که سکوت ممکن است به منزله پذیرش ضمنی باشد، اما واضح است که قاعده سکوت نمی تواند همیشه به منزله پذیرش در قوانین این دو کشور باشد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. الماسی، نجاد علی (۱۳۸۳). حقوق بین الملل خصوصی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۵). جزوه درسی داوری بین المللی، قم، دانشگاه مفید.
۳. الموسوی الخوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۵). مصباح الفقاهه فی المعاملات، جلد ۶، ص ۲۳۵.

۴. انصاری، ولی الله (۱۳۸۱). حقوق تحقیقات جنایی، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران.
۵. بحر العلوم، محمد (۱۳۷۰). عیوب الارادة فی الشریعة الاسلامیة، ص ۱۵۸.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۱). ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، بدون تاریخ، عبارات و اشارات پایان کتاب، ص ۷۸۱؛ در مورد سکوت قانون، اصل برائت است و تکلیف متوجه انسان نیست، همان نویسنده، دانشنامه حقوقی، جلد دوم، ص ۳۳ و جلد چهارم، ص ۴۶۵؛ ونیز ر.ک: پاورقی، ۱۰ ش ۲۰.
۷. حاجی آقازاده رودسری، امیررضا، و عراقی، غلامرضا. (۱۳۹۹). بررسی مقایسه ای سکوت در معاملات تجاری و حقوق مدنی با در نظر گرفتن دیدگاه فقهی. فقه، حقوق و علوم جزا، ۵(۱۷)، ۴۹-۵۸.
۸. ذاکر حسین، محمد هادی (۱۳۸۳)، جایگاه سکوت در حقوق اسلامی، مجله حقوقی دادگستر، شماره ۱۶.
۹. سیاح، احمد (۱۳۷۳). فرهنگ بزرگ جامع نوین (فرهنگ سیاح). جلد اول، ص ۷۳۳ انتشارات احمدی تهران.
۱۰. سرخسی، المسبوط (۱۳۳۱). نشر دارالمعرفه، افست چاپخانه السعادة، قاهره.
۱۱. معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی. نشر امیرکبیر تهران
۱۲. شهید ثانی (۱۳۶۶). شرح لمعه جلد پنجم صص ۱۱۶-۱۱۷ چاپ دوم انتشارات دآوری، قم.
۱۳. شهیدی، سیدمهدی (۱۳۹۳). تشکیل قراردادهای و تعهدات، انتشارات مجد
۱۴. عبدالرحمن محمود معجم (۱۳۹۶). المصطلحات الالفاظ الفقهیه، ناشر سال نامعلوم قابل دسترس در لوح فشرده اهل بیت.
۱۵. شعاریان، ابراهیم، (۱۳۹۳). حقوق تعهدات، انتشارات شهر دانش.
۱۶. قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۰). نقش سکوت در بیان اراده، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۵۱.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). درحقوق مدنی (نکاح)، جلد اول ص ۶۳ چاپ چهاردهم، انتشارات شرکت سهامی تهران.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، جلد دوم، شرکت سهامی انتشار، ص ۳۴۳، ۵۶۹ و ۵۷۰.
۱۹. کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۳۵۹). تحریر المجله، جلد اول، مجلد اول، ص ۴۵؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک: موسوعه الفقه الاسلامی، جلد چهارم، ص ۲۳۸ به بعد.
۲۰. مفید، محمد ابن نعمان (۱۳۷۴). المقنعه، ص ۳۶ موسسه نشر اسلامی قم.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ ه ق)، کتاب نکاح، جلد اول، انتشارات مدرسه امام علی (ع)، قم.
۲۲. مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۱). اخلاق عملی، جلد اول، انتشارات دفتر نشر اسلامی، تهران.
۲۳. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۵). مجله حقوق در مطالعات حقوقی و قضایی.
۲۴. نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام، همان، ص ۱۰-۶۲.

ب) منابع انگلیسی

1. Art. 18 CISG: (1) A statement made by or other conduct of the offeree indicating assent to an offer is an acceptance. Silence or inactivity does not in itself amount to acceptance.
2. Corbin, L. (2001). Contracts, volume Edition, west Publishing Company, London.
3. Compare, J.E., Martin, Modern Equity (19th edn 2012) 325 ff, finding around 10 categories; C Mitchell, Cases and materials on the law of trusts and equitable remedies 624, counting 12 categories; and C Webb, Trust Law (2013)ch 9, counting 7 or so categories.
4. Emily M, (2012). English Law of Contract, Misrepresentation, university of Oslo.
5. Felemegas, J, (2007). An International Approach to the Interpretation of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) as uniform sales law, Cambridge University Press.
6. Kessler, G, (2003). Contracts, Cases and Materials, Second edition, London.
7. Haeni. Rolf, (2022). "Fraud and Misrepresentation by Silence". London (1918). last version
8. Treitel. G.H, (1991). The general rule an offeree is not bound by silence. London
9. Mitchell, C., (2010). Hayton and Mitchell's Commentary and Cases on the Law of Trusts and Equitable Remedies (13th edn Sweet & Maxwell)



A comparative study of the legal system of Iran and England regarding silence, its types and exceptions to silence

Ehsan Azimi Moghayedi *
Jalil Maleki **

Abstract

There is no transparency in the meaning of silence in Iran in many cases, which has raised the question of whether silence is a sign of the will to remain silent. What is the concept of silence, its meanings and examples in England? What are the commonalities and differences in the works of silence and its exceptions in the two countries? Since the comparative study of the legal system of Iran and England regarding silence, its types and exceptions has not been done so far, it is necessary to carry out this research. In Iranian law, silence is not a sign of the will, and in exceptional cases where silence is considered a sign of consent, this does not confirm pure silence, and usually there are circumstantial evidence that can express a person's will. Legislator in Iranian law in Article 249 It has declared the prohibition of the effect of silence on the legal relations of parties and contracts, and the law of our country has proven the rule of silence to be invalid in explaining the will. In England, silence does not mean acceptance, although there are exceptions where the courts have recognized silence as acceptance. As a result, in England, like in Iran, silence has no special significance and both countries are in agreement with each other on this matter. The exceptions to the rule of silence in the legal laws of these two countries are almost the same and many similarities can be seen between them.

Keywords

Comparative comparison, silence, exception to silence, Iran and England.

* PhD student in Private Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Ehsan.moghayedi@gmail.com

** Professor, Department of Private Law, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (Corresponding author): Jalil.malekii@gmail.com